

اثر هوش هیجانی بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی با میانجی‌گری ادراک انصاف

سمانه همایونی میمندی^{۱*}، ژاله رفاهی^۲، زهره حسن زاده^۳، نورمحمد بخشانی^۴

چکیده

هوش هیجانی جدیدترین تحول در زمینه فهم رابطه میان فکر و هیجان است که فرد را به طور مؤثری با نیازها، فشارها و چالش‌های زندگی سازگار می‌کند. هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی یکی از عمده‌ترین و با این حال چالش‌انگیزترین موضوع در حیطه‌ی علم مشاوره است. یکی از عوامل ارتباطی که پژوهش‌ها تأثیر آن را بر هماهنگی رابطه زناشویی نشان داده‌اند، ادراک انصاف در رابطه زناشویی است. هدف نهایی این مطالعه بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هوش هیجانی بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی با میانجی‌گری ادراک انصاف بود. جامعه‌ی آماری (۱۵۰ زن، ۱۵۰ مرد) در شهر شیراز در سال ۱۳۹۲ بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شد. ابزارهای سنجش شامل پرسشنامه خود-گزارشی هوش هیجانی (EQS)، پرسشنامه هماهنگی زناشویی (MHQ)، ناهماهنگی زناشویی (MDQ)، مقیاس ادراک انصاف (MEP) بود. تحلیل داده‌ها از طریق الگویایی معادلات ساختاری (SEM) و اثرات غیرمستقیم از طریق آزمون بوت استراپ انجام شد. نتایج نشان داد که مدل ارزیابی شده از شاخص برزندگی خوبی برخوردار بود. هم‌چنین نتایج حاصل از تحلیل مدل نشان داد که هوش هیجانی به صورت مستقیم و غیرمستقیم هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ادراک انصاف بعنوان عامل بسیار مهمی در روابط سالم شناخته شد.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، هماهنگی زناشویی، ناهماهنگی زناشویی، ادراک انصاف

^۱ - کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران.

^۲ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، گروه مشاوره، مرودشت، ایران

^۳ - کارشناسی روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور فیروزآباد، فیروزآباد، ایران

^۴ - استادتمام دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، گروه روانشناسی، عضو مرکز تحقیقات سلامت کودکان و نوجوانان، زاهدان، ایران.

مقدمه

خانواده بعنوان مهم‌ترین رکن جامعه، در صورت شکل‌گیری و استمرار بر پایه احترام، اعتماد، تفاهم و همدلی، محلی برای رشد و بالندگی زن و مرد و فرزندان خواهد بود. اساساً سازگاری روانشناختی و رضامندی از زندگی، دارای ابعاد پیچیده‌ای است. یکی از زمینه‌های مهم سازگاری در زندگی انسان، موضوع ازدواج و رضامندی زناشویی است، بدان حد که ازدواج موفق و رضامندانه مستلزم سطح پایداری از سازگاری از جانب زوجین می‌باشد (Aslani, 2003). ازدواج به مثابه نوعی رویداد گذار در چرخه زندگی^۱ بشمار می‌رود و همسرشدن یکی از پیچیده‌ترین و مشکل‌ترین گذارهای چرخه زندگی است (Bagarozzi, 2001). از طرفی هماهنگی زناشویی^۲ و ناهماهنگی زناشویی^۳ یکی از عمده‌ترین و در عین حال چالش‌انگیزترین موضوع در حیطه‌ی علم مشاوره خانواده به حساب می‌آید. به گونه‌ای که پژوهش‌های زیادی صرف تدوین مدل‌های کارآمد، به منظور تبیین و پیش‌بینی آن شده است. هم‌چنین هماهنگی زناشویی مفهومی پویاست. ماهیت و کیفیت رابطه زناشویی در طول زمان تغییر می‌کند (Larson, & Holman, 1994 cytaty from Faramarzi, 2008). هماهنگی زناشویی مترادف با کیفیت زناشویی، رضایت زناشویی یا سازگاری زناشویی است و در برگزیده جنبه‌های مثبت یا ارزیابی مثبت فرد از روابط زناشویی اش است. ناهماهنگی زناشویی نیز مترادف با تعارض زناشویی است که شامل جنبه‌های منفی یا ارزیابی منفی فرد از روابط زناشویی اش است (Xu & Lai, 2004). هم‌چنین رضایت زناشویی^۴ یکی از جنبه‌های مهم و حیاتی رابطه زناشویی است که زن و مرد در رابطه خویش احساس و تجربه می‌کنند و آمار طلاق که معتبرترین شاخص آشفستگی زناشویی است، نشانگر آن است که رضایت زناشویی به آسانی قابل دستیابی نیست (Taniguchi, 2006; Rosen- Grandon, 2004). اگرچه ازدواج از جانب زوجین با کمترین پیچیدگی و بیش‌ترین لذت درک می‌شود، اما این رویداد همچنان از ظرفیت فشارزا بودن^۵ در زن و مرد برخوردار است. پژوهشگران و متخصصین بر این نکته تأکید دارند که کیفیت وضعیت ازدواج، تلویحات بسیاری درباره نقش‌های والدینی، بهداشت روانی و جسمی و رضایت شغلی به همراه دارد (Morrise, 2000). طی سال‌های اخیر، فهم ماهیت هیجان^۶ و رابطه آن با شناخت^۷ با معرفی مفهوم نوظهور هوش هیجانی^۱ ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. به طوری که

1- Life Cycle

2- marital harmony

3- marital discord

4- marital satisfaction

5- Stressor

6- Emotion

7- Cognition

می‌توان این رویداد را به عنوان آخرین پیشرفت در قلمرو مطالعه هیجان و شناخت تلقی کرد (Mayer, 2001). هوش هیجانی مفهومی است که برای نخستین بار در آغاز دهه ۱۹۹۰ توسط (Solvey & Mayer) معرفی، و سپس در سال ۱۹۹۵ توسط Goleman به سرعت جنبه عام یافت (Bar, 1997). امروزه مدل‌های مختلفی جهت تعریف و تبیین مفهوم هوش هیجانی وجود دارد، اما در یک نگاه کلی می‌توان کفایت‌های اساسی سازنده هوش هیجانی را شامل ادراک هیجان در خود و دیگران، فهم و استدلال درباره هیجان و اداره هیجان ذکر نمود (Bar, 2000). از نقطه نظر کاربردی، نظریه پردازان هیجان بر این باورند که توانایی‌های سازنده هوش هیجانی با درک هیجان-ها، تنظیم حالات عاطفی و به کارگیری آگاهی هیجانی با سازگاری روانشناختی، موفقیت و پیش-بینی آن و رضامندی کلی از زندگی مرتبط می‌باشد (Pelittery, 2002). از سوی دیگر، یک ازدواج رضامندانه زمینه‌ساز فضای مناسبی جهت تلافی و تبادل احساسات و عواطف مثبت بین زوجین است. از این رو محققانی مانند Clark, Fitness & Braist (2001) معتقدند که سازه هوش هیجانی یا حداقل برخی از جنبه‌های آن ظرفیت غنی سازی یک ازدواج توأم با سازگاری و رضایت مطلوب و باثبات را دارا است. آنان بر این باورند که توانایی درک و پذیرش افکار، احساسات و عواطف یکدیگر در زندگی زناشویی، با احساس رضامندی بیش‌تری همراه است (Fitness, 2001) و اشخاصی که از سطوح هیجانی بالاتری برخوردارند در مقایسه با افراد هوش هیجانی پایین، رضامندی زناشویی بیش‌تری را تجربه می‌کنند. در نتیجه، یافتن نشانه‌های بی‌کفایتی عاطفی، خطوط فکری یا رفتار اشتباهی که می‌تواند یک زوج را به سوی تعارض یا جدایی سوق دهد، نقش حیاتی هوش هیجانی را در بقای ازدواج و رابطه زناشویی به اثبات می‌رساند (Schutt, 2001). در صورتی که یکی از زوجین یا هر دوی آنها کاستی‌های خاصی در مؤلفه‌های سازنده هوش هیجانی خود داشته باشند، احتمال عمیق‌تر شدن شکاف عاطفی بین آنها افزایش خواهد یافت و در نهایت این وضعیت موجب آسیب‌پذیری و گسستن پیوند بین آنها می‌شود (Goleman, 1995). تیرگری در ۱۳۸۵، رابطه معنی‌داری بین هوش هیجانی و سازگاری زناشویی در همسران سازگار یافت (Tirgary, 2006). نتایج بررسی‌های فیزر نشان داده است که سطوح هوش هیجانی با رضامندی زناشویی رابطه دارد و مؤلفه‌های بنیادی سازنده هوش هیجانی مانند شادکامی در رابطه با خود و زندگی، احترام بنفس مثبت، تماس با خویش، احساس خودگردانی، انتظارات واقعی، مهارت‌های بین فردی مناسب، احساس مسئولیت نسبت به دیگران، توانایی حفظ نگرش مثبت به زندگی علی‌رغم وجود شرایط دشوار، در احساس رضامندی زناشویی سهم قابل ملاحظه‌ای دارد (Fizzer, 2002). گرچه نظریه پردازان هوش هیجانی بر اهمیت این مفهوم در حفظ و تداوم رابطه رابطه زناشویی و احساس رضایت از آن تأکید دارند، اما

پژوهش‌های کمی هوش هیجانی را در حوزه مسایل زناشویی مورد بررسی قرار داده‌اند. بی شک کمبود این بررسی‌های پژوهشی به دلیل تازگی مفهوم و دشواری‌های مربوط به تهیه ابزارهای سنجش معتبر و پایا بوده است (Fitness, 2001). یکی از عوامل ارتباطی که پژوهش‌ها تاثیر آن بر هماهنگی رابطه زناشویی را نشان داده‌اند، ادراک انصاف^۱ در رابطه زناشویی است. انصاف درک ضمنی تعادل است، در رابطه‌ی غیرمنصفانه یک شریک بیش از حد بهره‌مند و دیگری کمتر از آن چه باید باشد. این موضوع، افسردگی، رنجش، احساس فریب خوردن و یا محروم شدن را در پی دارد (Sullivan, 2008). در نظریه‌ی انصاف گفته می‌شود زمان‌هایی که بی‌انصافی وجود دارد، قسمت-هایی از رابطه دچار اضطراب و پریشانی می‌شود. نتایج پژوهش‌ها از این نظریه حمایت می‌کند (Perry, 2004; Demaris, 2007). ادراک انصاف از متغیرهای مهم در نظریه‌ی انصاف است. نظریه‌ی انصاف^۲ ریشه در اقتصاد دارد. تحقیقات اولیه در مورد نظریه به افزایش بهره‌وری کارکنان به وسیله اختصاص منصفانه پاداش‌ها مرتبط بود (Burnstein, 1969; Homans, 1961; Laler, 1968; cytaty from Perry, 2004). بعدها نظریه‌ی انصاف در جامعه‌شناسی به کار برده شد و سرانجام در روانشناسی مورد استفاده قرار گرفت (Walster, Berscheid, & Walster, 1975). این نظریه سعی دارد رضایت افراد از یک رابطه را بر حسب ارزیابی ادراک آنها از توزیع منصفانه یا غیرمنصفانه منابع در طول روابط میان‌فردی بررسی کند. بهترین تعریف برای انصاف این است که آن را حالتی از یک موازنه بدانیم که زمانی به دست می‌آید که برای شرکت‌کنندگان در یک تعامل یا سازمان مشترک نتایجی مناسب با درون‌داده‌هایشان اختصاص یابد (Faramarzi, 2008). به بیان ساده انصاف آن زمانی در تعاملات بین شخصی شایع است که برون‌دادهایی (نتایج و پیامدها) که یک شخص از تعامل بین فردی بدست می‌آورد برابر باشد با درون‌دادهایی که او در آن تعامل سرمایه‌گذاری کرده است (Sprecher, 1986). نظریه‌ی انصاف شباهت زیادی به قاعده‌ی عدالت توزیعی دارد که توسط Homanz توصیف شد. این قاعده بیان می‌دارد که زمانی که درون‌دادهای افراد در ارتباط به برون-دادهایشان از ارتباط نزدیک‌تر باشد، رضایت بیش‌تری دارند. در نظریه انصاف سه متغیر اصلی وجود دارد که در ادراک فرد از این که آیا در ارتباط سود برده یا ضرر کرده‌اند نقش دارد. این سه متغیر عبارتند از: سطوح انصاف، مساوات و پاداش. انصاف: به صورت نسبت آنچه فرد در ارتباط سرمایه-گذاری می‌کند و آنچه از ارتباط دریافت می‌کند تعریف شده است. مساوات: یعنی درجه شباهت نسبت انصاف برای شرکا. پاداش: یعنی اندازه مطلق منفعتی که فرد از رابطه به دست می‌آورد (Walster, Berscheid, 1976 cytaty from Faramarzi, 2008). نظریه‌ی عدالت از زمان‌های قبل،

1- perceived fairness

2- equity theory

برای پیش‌بینی واکنش‌های افراد به عدالت و بی‌عدالتی مورد استفاده بوده است. از زمانیکه ویلیامز^۱ برای اولین بار آزمایشگاه روانشناسی را در دانشگاه هاروارد افتتاح کرد، دانشمندان علوم اجتماعی به تدوین و فرموله‌بندی جهانی شناخت قوانین اجتماعی، احساسات و رفتار پرداختند. با این حال منتقدان فرهنگی اشاره می‌کنند که روانشناسی اجتماعی همین اواخر ساخته شده است (Markus, 2004; Aumer-ryan, Hatfield, & Frey, 2007). نظریه‌ها توسط روانشناسان غربی و شرکت‌کنندگان در آزمایشگاه بررسی می‌شدند و سپس در نشریات غربی منتشر می‌شدند. این دانشمندان معتقد بودند آنچه می‌گویند ثابت و مداوم هستند. به تازگی محققان فرهنگی و میان-فرهنگی با انتقاد از این نظریه پرداخته‌اند و استدلال می‌کنند که تفاوت‌های فرهنگی ممکن است تأثیر عمیقی بر مردم جهان و چگونگی واکنش آن‌ها به این حوادث بگذارد (Aumer, Ryan, Hatfield, & Frey, 2007). حال این سوال برای محققان خانواده مطرح است که آیا مردم در سراسر جهان به یک اندازه در مورد انصاف در رابطه عاشقانه خود نگران هستند و یا اینکه آیا تئوری انصاف قابل انطباق با همه مردم در همه فرهنگ‌ها و همه دوره‌های تاریخی هست؟ با توجه به وجود مطالب ناکافی در زمینه تأثیر هوش هیجانی بر هماهنگی زناشویی (Grieco, 2001; Fitness, 2001; schutte, 2001; Fizzer, 2002; Tiryary, 2006; Soleimani, 2006; Aghamohammadhasani, 2011) و اثر ادراک انصاف بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی (Jafari nejad, 2012; Feinstein, 2010; Brown & Kawamura, 2010; Faramarzi, 2006) و هم‌چنین با توجه به این که شاهد حرکت جامعه در زمینه تحول روابط بین زوجین هستیم، این پژوهش بر آن است که روابط بین این متغیرها را در یک مدل پیشنهادی، در نمونه زوجین برای اولین بار در هوش هیجانی اجرا کند. مدل مورد استفاده در این تحقیق از تغییر و تعدیل مدل مورد استفاده (Xu & Lai, 2004) اقتباس شده است. این پژوهش علاوه بر اینکه اجرای پیشنهاد (Xu & Lai, 2004) در مورد کاربرد این مدل بر روی زوجین و با میانجی‌گری ادراک انصاف است، درصدد بررسی دو مسئله است که آیا این مدل در جامعه ایران برازنده داده‌ها می‌باشد و دیگر این که آیا ادراک انصاف میانجی رابطه بین هوش هیجانی و هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی است؟

روش پژوهش

الف. جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

طرح این تحقیق، همبستگی از نوع الگو یابی معدلات ساختاری (SEM) است که یک روش همبستگی چند متغیری می‌باشد. جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه‌ی والدین مقطع ابتدایی شهر شیراز بود که در فاصله‌ی زمانی اجرای این پژوهش در این شهر زندگی می‌کردند و حداقل تحصیلات آنها دیپلم بود و به دلیل اینکه والدین از مقطع ابتدایی انتخاب شدند، حداقل مدت

¹- James

ازدواج آنها ۷ سال بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای، ابتدا از بین ۴ ناحیه آموزش و پرورش دو ناحیه و از بین دو ناحیه تعداد ۱۰ مدرسه بصورت تصادفی انتخاب شدند و سپس از بین دانش‌آموزان این مدارس ۱۵۰ دانش‌آموز انتخاب و والدینشان (۱۵۰ مرد، ۱۵۰ زن) با حضور در مدرسه، به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند.

ب. ابزارهای سنجش

۱. پرسشنامه خود-گزارشی هوش هیجانی (EQS)

یک پرسشنامه خود گزارشی مداد-کاغذی است که ۳۳ ماده دارد. آزمودنی باید به هر یک از ماده‌های پرسشنامه که در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (۱- کاملاً مخالف، ۲- مخالف، ۳- نه موافق و نه مخالف، ۴- موافق، ۵- کاملاً موافق) تنظیم شده است، پاسخ گوید. هم‌چنین نمره‌گذاری ماده‌های ۵، ۲۸، ۳۳، پرسشنامه فوق به صورت معکوس است و حداقل و حداکثر نمره در مقیاس خودگزارشی هوش هیجانی شوت به ترتیب ۴۵ و ۱۶۵ می‌باشد. این پرسشنامه بر اساس مدل نظری هوش هیجانی مایر و سالوی تدوین شده است که شامل ۳ مؤلفه هوش هیجانی ارزیابی و ابراز هیجان، تنظیم هیجان و بهره‌برداری از هیجان است. شهبازی در طی پژوهشی پایایی کل نمونه به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۷۹ و روایی افتراقی را با پرسشنامه افسردگی بک برای کل نمونه ۰/۰۳- به دست آوردند (Shahbazi, 2005).

۲. پرسشنامه هماهنگی زناشویی^۱

این مقیاس توسط زو و لای (۲۰۰۴) تهیه شده و به وسیله‌ی دو شاخص با هم بودن زوج و رضایت زناشویی نشان داده می‌شود. شاخص با هم بودن زوج، پنج سؤال است و به صورت طیف لیکرتی نمره‌گذاری می‌شود. ۲ سؤال اول در، دامنه‌ای از ۱ (به شدت مخالفم) تا ۵ (به شدت موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. ۳ پرسش بعدی در، دامنه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۷ (هرروز) نمره‌گذاری می‌شود. نمره‌ی بالا در این شاخص نشان دهنده‌ی سطح بالاتر با هم بودن زناشویی است. شاخص رضایت زناشویی دارای دو سؤال است. سؤال اول از ۱ (به شدت مخالفم) تا ۵ (به شدت موافقم) و سؤال دوم از ۱ (خیلی ناراضی) تا ۶ (خیلی راضی) نمره‌گذاری می‌شود. نمره‌ی بالا در این شاخص نیز نشان دهنده رضایت زناشویی بالاتر است. سازندگان پایایی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۰ و روایی آن را ۰/۶۸ در سطح معنی‌داری $p < 0/001$ گزارش کرده‌اند. این مقیاس توسط جعفری نژاد برای اولین بار در ایران ترجمه و مورد استفاده قرار گرفته است. برای سنجش پایایی این مقیاس از روش باز آزمایی استفاده شد که ضریب همبستگی بین دو بار اجرای آزمون با فاصله‌ی زمانی چهار

¹. marital harmony questioner

هفته در نمونه‌ی مردان ۰/۷۴ و در نمونه‌ی زنان ۰/۸۳، در سطح معنی‌داری $P < ۰/۰۰۱$ به دست آمد (Jafari nejad, 2012).

۳. پرسشنامه ناهماهنگی زناشویی^۱

این مقیاس توسط زو و لای (۲۰۰۴) طراحی و ناهماهنگی زناشویی را به وسیله‌ی سه شاخص بی-ثباتی زناشویی^۲، شاخص عدم توافق زناشویی^۳ و شاخص تعارض زناشویی^۴ می‌سنجد. شاخص بی-ثباتی زناشویی شاخص تک پرسشی است که از آزمودنی پرسیده می‌شود، آیا تاکنون به طور جدی به طلاق فکر کرده است؟ پاسخ‌ها در دامنه‌ای از ۱ (نه) تا ۳ (بله)، نمره‌گذاری می‌شود. شاخص عدم توافق زناشویی، یک ماده‌ای است که از آزمودنی پرسیده می‌شود در طول دوره زندگی مشترک، چقدر با یکدیگر اختلاف داشته‌اند. پاسخ‌ها در دامنه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۷ (هرروز)، نمره‌گذاری می‌شود و شاخص تعارض زناشویی، که شش ماده‌ای است و از آزمودنی خواسته می‌شود مشخص کنند که هرکدام از عبارات بیان شده، زمانی که به شدت با همسر خود مخالف هستند، چقدر اتفاق می‌افتد. پاسخ‌ها در دامنه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۴ (اغلب) نمره‌گذاری می‌شود. سازندگان پایایی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۶۰ و روایی آن را ۰/۵۶ در سطح معنی‌داری $p < ۰/۰۰۱$ گزارش کرده‌اند. این مقیاس توسط جعفری نژاد برای اولین بار در ایران ترجمه و مورد استفاده قرار گرفته است. برای سنجش پایایی این مقیاس از روش باز آزمایی استفاده شد که ضریب همبستگی بین دو بار اجرای آزمون با فاصله‌ی زمانی چهار هفته در نمونه مردان ۰/۷۰ و در نمونه زنان ۰/۶۷ در سطح معنی‌داری $P < ۰/۰۰۱$ به دست آمد (Jafari nejad, 2012).

۴. مقیاس سنجش ادراک انصاف^۵ (MEP)

این مقیاس توسط پری (۲۰۰۴)، به نقل از فرامرزی، (۱۳۸۸) تهیه شده است. این پرسشنامه عدالت، به عنوان شاخصی برای سنجش ادراک انصاف در نظر گرفته شده است و شامل چهار سوال است که ادراک انصاف را در چهار حیطة انجام کارهای خانه، کارکردن برای کسب درآمد، خرج کردن پول و نگهداری از فرزندان می‌سنجد. سؤالات این مقیاس به صورت طیف لیکرت از ۱ (خیلی غیرمنصفانه برای من) تا ۵ (خیلی غیرمنصفانه برای همسر) نمره‌گذاری می‌شود. فرامرزی (۱۳۸۸) در پژوهش خود در نمونه‌ای از کارکنان متاهل ادارات دولتی شهر اهواز، پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ و به روش تنصیف ۰/۸۲ و روایی سازه آن را ۰/۶۶ در سطح معنی‌داری

1- marital discord questioner

2- marital instability index

3- marital disagreement index

4- marital conflict index

5- measure of equity perceived

$p < 0/001$ گزارش کرده است. برای سنجش پایایی این مقیاس از روش باز آزمایی استفاده شد که ضریب همبستگی بین دو بار اجرای آزمون با فاصله‌ی زمانی چهار هفته در نمونه‌ی مردان $0/76$ و در نمونه‌ی زنان $0/81$ و در سطح معنی داری $P < 0/001$ به دست آمد (Faramarzi, 2006).

یافته‌ها:

جدول ۱ شاخص‌های آماری نمونه پژوهش را در بین متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد.

جدول ۱: شاخص‌های آماری شرکت کنندگان در پژوهش در بین متغیرهای پژوهش برای نمونه مردان و زنان

ردیف	متغیرهای پژوهش	میانگین		انحراف استاندارد		حداقل نمره		حداکثر نمره	
		مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
۱	هوش هیجانی	۱۱۵.۶	۱۳۲.۴	۷.۲۲	۶.۵۹	۷۴	۷۹	۱۵۲	۱۵۸
۲	ادراک انصاف	۱۷.۲	۱۶.۷	۳.۴۵	۳.۴۷	۴	۶	۲۰	۲۰
۳	هماهنگی زناشویی	۲۷.۴	۲۷.۸	۵.۵۹	۵.۶۹	۱۰	۱۵	۳۹	۳۹
۴	ناهماهنگی زناشویی	۱۵.۶	۱۵.۹	۴.۱۵	۴.۴۹	۱۱	۱۰	۳۱	۳۱

ضرایب همبستگی بین متغیرهای این تحقیق در جدول ۲ گزارش شده است و جدول ۳ شاخص‌های برازندگی مدل اولیه و نهایی را در نمونه مردان و زنان نشان می‌دهد. همان‌طور که نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد کلیه‌ی ضرایب همبستگی بدست آمده بین متغیرهای پژوهش در سطح $p < 0.01$ معنی‌دار هستند. همبستگی بین هوش هیجانی و هماهنگی زناشویی برای زنان و مردان مثبت است. این نتیجه مؤید این نکته است که سطوح هوش هیجانی با رضامندی زناشویی رابطه دارد.

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرهای پژوهش	۱		۲		۳		۴	
		مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
۱	هوش هیجانی	-	-	**۰.۲۷	**۰.۲۹	**۰.۴۷	**۰.۴۹	**۰.۳۹	**۰.۳۵
۲	ادراک انصاف	-	-	-	-	**۰.۵۸	**۰.۶۰	**۰.۶۲	**۰.۶۴
۳	هماهنگی زناشویی	-	-	-	-	-	-	**۰.۶۹	**۰.۶۸
۴	ناهماهنگی زناشویی	-	-	-	-	-	-	-	-

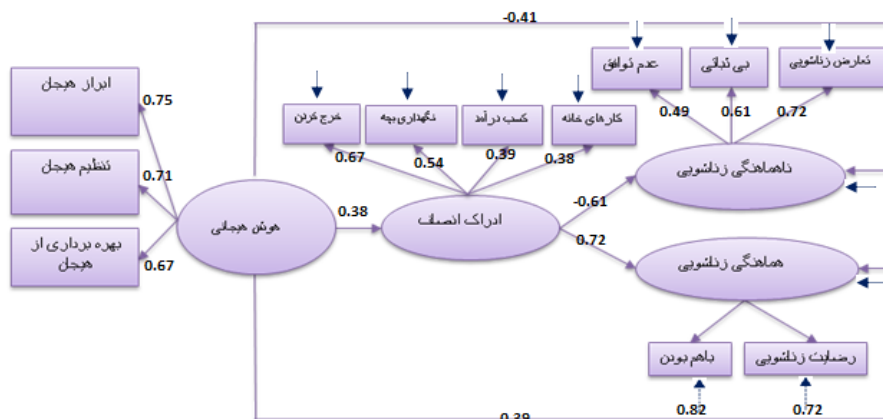
** $P < 0.01$

جدول ۳: شاخص‌های برازندگی اولیه و نهایی در نمونه مردان و زنان

شاخص‌های	χ^2	Df	χ^2/df	CFI	GFI	IFI	RMSEA
برازندگی	۲۰۰	۱۰۰	۲.۰۰	۰.۹۰	۰.۹۰	۰.۹۰	۰.۰۳۵

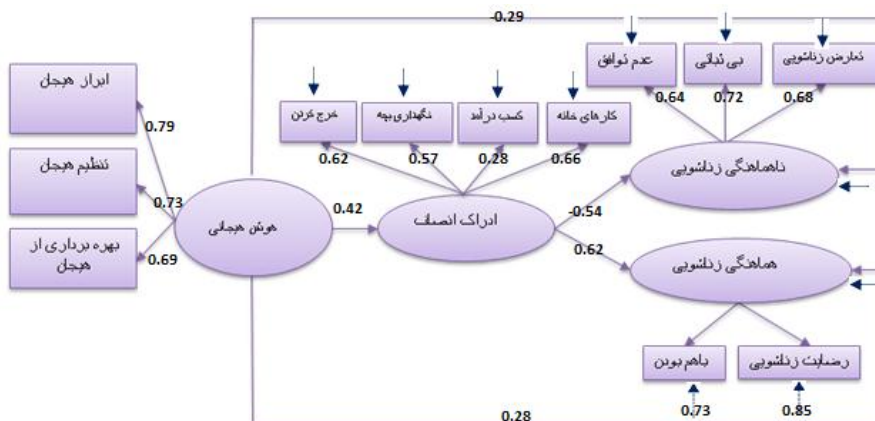
مدل اولیه	۱۵۳.۳	۱۴۵.۱	۶۰	۶۰	۲.۴۱	۲.۵۲	۰.۸۷	۰.۸۷	۰.۸۴	۰.۸۴	۰.۸۷	۰.۸۷	۰.۸۷	۰.۸۷
مدل نهایی	۱۰۴.۳	۷۳.۹	۵۷	۴۷	۱.۵۷	۱.۸۶	۰.۹۲	۰.۹۵	۰.۹۱	۰.۹۱	۰.۹۲	۰.۹۲	۰.۹۲	۰.۹۲

مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهد که شاخص مجذور خی برای شوهران ($\chi^2=152.3$) و در نمونه زنان ($\chi^2=145.1$)، مجذور خی نسبی در نمونه شوهران ($\chi^2/df=2.52$)، در نمونه زنان ($\chi^2/df=2.41$)= شاخص نیکویی برازش ($GFI=0.84$)، در نمونه زنان ($GFI=0.84$) و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب در نمونه شوهران ($RMSEA=0/10$) و در نمونه زنان ($RMSEA=0/09$) حاکی از آن است که مدل از برازش متوسطی برخوردار است و نیاز به اصلاح دارد. بنابراین برای اصلاح مدل سه اصلاح به پیشنهاد AMOS روی مدل صورت گرفت. به این ترتیب که، مسیر خطاهای اضافه شده بین متغیرهایی قرار داده شدند که ضرایب همبستگی بین آن‌ها بالا بود. این مسیرها شامل همبسته کردن مسیر بین (مراقبت از خانواده از دید شوهر به انصاف در نگهداری از فرزند)، (شاخص رضایت- زناشویی به متغیر ناهماهنگی زناشویی) و (شاخص بی‌ثباتی زناشویی به عدم توافق) می‌باشد و برای اصلاح مدل در نمونه‌ی زنان نیز سه اصلاح به پیشنهاد AMOS روی مدل صورت گرفت. به این ترتیب که، مسیر خطاهای اضافه شده بین متغیرهایی قرار داده شد که ضرایب همبستگی بین آن‌ها بالا بود. این مسیرها شامل همبسته کردن مسیر بین (شغل زن و شوهر از دید زنان به متغیر ادراک انصاف)، (شاخص عدم توافق به خرج کردن پول) و (انصاف در انجام کارهای خانه به انصاف در نگهداری از فرزندان) می‌باشد. هم‌چنین شاخص دوم ادراک انصاف یعنی انصاف در کسب درآمد به دلیل معنی‌دار نبودن در این مرحله برای بهبود برازش مدل حذف شد. بعد از اعمال تغییرات، هر دو مدل مجدداً مورد آزمون قرار گرفت. همان‌گونه که مشاهده می‌شود تمامی شاخص‌های برازندگی از جمله: شاخص مجذور خی برای شوهران ($\chi^2=104.3$) و در نمونه زنان ($\chi^2=72.9$)، مجذور خی نسبی در نمونه شوهران ($\chi^2/df=1.86$)، در نمونه زنان ($\chi^2/df=1.57$) شاخص نیکویی برازش ($GFI=0.9$)، در نمونه زنان ($GFI=0.91$) و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب در نمونه شوهران ($RMSEA=0/07$) و در نمونه زنان ($RMSEA=0/06$) بهبود یافته‌اند که حاکی از برازش مناسب مدل نهایی است. در شکل ۱ الگوی نهایی پژوهش در نمونه شوهران و در شکل ۲ الگوی نهایی پژوهش در نمونه زنان همراه با ضرایب مسیرها نشان داده شده است.



شکل ۱: برونداد نرم افزار AMOS: مدل نهایی این تحقیق نمونه مردان همراه با ضرایب استاندارد مسیره‌ها ← موارد خطا ← مسیر غیرمعنی دار حذف شده

همان‌گونه که شکل ۱ نشان می‌دهد تمامی مسیرهای مستقیم مانند مسیر هوش هیجانی به ادراک انصاف ($\beta = 0.38$)، مسیر هوش هیجانی به هماهنگی زناشویی ($\beta = 0.39$)، مسیر ادراک انصاف به هماهنگی زناشویی ($\beta = 0.72$) و مسیر ادراک انصاف به ناهماهنگی زناشویی ($\beta = -0.61$) معنی‌دار هستند.



شکل ۲: برونداد نرم افزار AMOS: مدل نهایی این تحقیق نمونه زنان همراه با ضرایب استاندارد مسیره‌ها ← موارد خطا ← مسیر غیرمعنی دار حذف شده

همان‌گونه که شکل ۲ نشان می‌دهد تمامی مسیرهای مستقیم مانند مسیر هوش هیجانی به ادراک انصاف ($\beta = 0.42$)، مسیر هوش هیجانی به هماهنگی زناشویی ($\beta = 0.28$)، مسیر ادراک انصاف به هماهنگی زناشویی ($\beta = 0.62$) و مسیر ادراک انصاف به ناهماهنگی زناشویی ($\beta = -0.54$) معنی‌دار هستند.

ادراک انصاف به ناهماهنگی زناشویی ($\beta = -0.54$) معنی دار هستند. هم‌چنین به منظور روابط واسطه‌ای الگوی ساختاری از آزمون بوت استرپ نرم افزار AMOS استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ مشاهده می‌شود. نتایج مندرج در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که تمامی مسیرهای واسطه‌ای در سطح آماری $p < 0.05$ و فاصله اطمینان ۰.۹۵ معنی‌دار است. با توجه به اینکه در تمامی مسیرها صفر بیرون از فاصله اطمینان قرار می‌گیرد تمامی روابط واسطه‌ای مفروض معنی‌دار می‌باشند.

جدول ۴: نتایج آزمون بوت استرپ برای مسیرهای واسطه‌ای

مسیرها	B	β	بوت استرپ		سطح معنی داری
			حد بالا	حد پایین	
هوش هیجانی ← ادراک انصاف ← هماهنگی زناشویی مردان	۰.۶۳۲	۰.۲۰	۰.۲۴	۱.۱۸	۰.۰۱۲
هوش هیجانی ← ادراک انصاف ← هماهنگی زناشویی زنان	۰.۶۵۶	۰.۳۸	۰.۲۹	۱.۳۲	۰.۰۰۳
هوش هیجانی ← ادراک انصاف ← ناهماهنگی زناشویی مردان	-۰.۳۴	-۰.۲۶	-۰.۲۳	-۰.۰۸	۰.۰۱
هوش هیجانی ← ادراک انصاف ← ناهماهنگی زناشویی زنان	۰.۳۹	-۰.۳۱	-۰.۴۳	۱.۰۲	۰.۰۰۵

بحث و نتیجه گیری

هدف از این تحقیق تعیین اثر هوش هیجانی در نمونه زوجین و هم‌چنین بررسی نقش ادراک انصاف به عنوان میانجی در رابطه بین هوش هیجانی و هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی بود. تمامی مسیرهای مفروض در الگوی پیشنهادی پژوهش مورد آزمون واقع شدند و همه‌ی مسیرها تأیید شدند. به عبارتی نتایج حاصل از تحلیل مدل نشان داد که هوش هیجانی به صورت مستقیم و غیرمستقیم هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتایج این پژوهش با یافته‌های (Aghamohammad hasani, 2011) در زمینه تأثیر هوش هیجانی بر رضامندی زناشویی؛ (Tirgary, 2006) با یافتن رابطه بین هوش هیجانی و رضامندی زناشویی همسران سازگار؛ (Soleimani, 2006) با یافتن ارتباط معنی دار بین هوش هیجانی و رضامندی زناشویی؛ (Fizzer, 2002) با پذیرش مؤلفه‌های بنیادی سازنده هوش هیجانی و روابط بین فردی؛ (Fitness, 2001) در زمینه افزایش رضامندی زناشویی و تبادل احساسات و عواطف مثبت با غنی سازی هوش هیجانی؛ (Schutte, 2001) با پذیرش نقش حیاتی هوش هیجانی در بقای ازدواج و روابط زناشویی؛ موافق و هماهنگ است. هم‌چنین (Gerico, 2001)، دریافت که در اوایل ازدواج، یک

همبستگی میان ابعاد هوش هیجانی و رضایتمندی وجود دارد و مؤلفه‌های هوش هیجانی بویژه ارتباط بین فردی و درون فردی، سازگاری، مدیریت استرس و خلق عمومی به طور معنی داری پیش بین رضایتمندی زناشویی است. بنابراین می‌توان گفت یکی از دلایلی که یک ازدواج رضامندانه، زمینه ساز فضای مناسبی جهت تلافی و تبادل احساسات و عواطف مثبت بین زوجین ایجاد می‌کند، هوش هیجانی است. علاوه بر این اشخاصی که از سطوح هیجانی بالاتری برخوردارند در مقایسه با افراد هوش هیجانی پایین، رضایتمندی زناشویی بیش‌تری را تجربه می‌کنند و در صورتی که یکی از زوجین یا هر دوی آنها کاستی‌های خاصی در مؤلفه‌های سازنده هوش هیجانی خود داشته باشند، احتمال عمیق‌تر شدن شکاف عاطفی بین آنها افزایش خواهد یافت و در نهایت این وضعیت موجب آسیب‌پذیری و گسستن پیوند بین آنها می‌شود. از سوی دیگر ادراک انصاف نیز به هماهنگی زناشویی تأثیر گذاشت که با یافته‌های (Jafari nejad, 2012; Feinestein, Feinestein & Sabrow, 2010; Brown & Kawamura, 2010; Faramarzi, 2006) هماهنگ بود. به طور کلی ادراک انصاف عامل بسیار مهمی در روابط سالم است و انسان‌ها همواره در روابط اجتماعی، اقتصادی و زناشویی خود خواستار روابط منصفانه هستند (Lammert, 2003). آنها آگاهانه یا ناآگاهانه دائماً در حال احتساب سودی هستند که از مشارکت در یک رابطه نصیبشان می‌شود. امروزه ادراک انصاف عامل بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در چگونگی روابط زناشویی و هماهنگی زناشویی است. امروزه در زندگی زناشویی مسؤلیت‌ها تقسیم می‌شوند یا بر یک مبنای فردی تعیین می‌گردد، نتیجه تغییر کاملاً روشن است. هنگامی که اهداف برآورده نمی‌شوند، هر یک از زن و شوهر از خود می‌پرسند: چرا باید این رابطه را حفظ کنم در حالی که بهای زیادی را برای آن می‌پردازم (Faramarzi, 2008). نتایج پژوهش (Perry, 2004; Demaris, 2007) نیز مؤید این نکته است که زمان‌هایی که بی‌انصافی وجود دارد، قسمت‌هایی از رابطه دچار اضطراب و پریشانی می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت که اگرچه هوش هیجانی به طور مستقیم بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی تأثیر می‌گذارد، اما این تأثیر اندک است و این تأثیر ادراک انصاف در روابط زناشویی است که بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی تأثیر می‌گذارد. عمده‌ترین محدودیت این پژوهش حجم نمونه آماری نسبتاً پایین بود که پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی این پژوهش با حجم نمونه بیش‌تری انجام پذیرد.

تشکر و قدردانی:

در پایان از سرکار خانم جعفری نژاد و تمامی کسانی که به نوعی در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها همکاری داشته‌اند تشکر و قدردانی می‌شود.

Refrence

Aslani, KH. (2003). The role of comunication skills in family function on married students. *Social welfare quarterly*. 14(4), 115-136.[persian]

Aghamohammad hasani, p., Mokhtaree, MR., Sayadi, AR., Nazer, M., Niroomand A.(2011). Relationship between the components of emotional intelligence and marital satisfaction in academic staff of Rafsanjan univercity of medical science. *Society health journal*.6(3-4),46-57.[persian]

Aumer-Ryan, K., Hatfield, E., & Frey, R. (2007).Examining Equity theory across cultures.*Interpersona: An International Journal on Personal Relationships*. www.interpersona.org.

Bagarozzi, DA.(2001). Enhencing intimacy in marriage: A clinicians guide. New york.Taylor& Francis.

Bar, R.(1997). Bar-on Emotional Quotient Inventory. Toronto: Multy-Health system inc.

Bar-on, R.(2000). Bar-on Emotional and social intelligence. In: Bar-on, R; Par Ker, JDA editors. *Handbook of Emotional intelligence*. Sanfrancisco:Jossey-Bass, 363-388.

Brown ,S. L., & Kawamura .(2010). Mattering and wives' perceived fairness of the division of household labor. *Social Science Research* , 6, 976-986.

Demaris ,A. (2007). The role of relationship inequity in marital disruption.*Journal of Social and Personal Relationships*, 2,177-195.

Faramarzi, s.(2008). Examine the role of perceived fairness of marital quality in Ahvaz married employees. MS Thesis, University of Chamran. [persian].

Feinstein, S. Feinstein, R., &Sabrow, S. (2010).Gender Inequality in the Division of Household Labour in Tanzania.*African SociologicalReview* ,2, 98-109.

Fitness, J.(2001) Emotional intelligence and intimate relationship. In: ciarrochi, J; Forgas, JP; Mayer, JD;editors. *Emotional intelligence in everyday life*. Philadel Phia: Tylor& Francis; 98-112.

Fizer, M.(2002). EQ and marital satisfaction. PMEI; [1 screens]. Available at: URL:<http://www.gwimi.imi.ie/eghtml>. Accessed octobr 21 2003.

Grieco C.(2001) Emotional intelligence, level of commitment, and network of social support as predictors of marital satisfaction. Unpublished doctoral dissertation, Hofstra University, United States of America.

Goleman, D.(1995). Emotional intelligence; why it can matter more than IQ. New york; Bantam Books.

Jafari nejad, L., khojaste mehr, R., Rajabi., Gh.(2012). The effect of egalitarian gender ideology on marital harmony and marital discord by mediating perceptions of equity (fairness). Psychological achievement journal. 4(2), 159,176. [persian]

Mayer, JD.(2001). A field guide to emotional intelligence. In:Ciarrochi J, Forgas JP, Mayer Jd, editors. Emotional intelligence in evaryday life. Philadel Phia: Tylor& Francis; 3-24.

Morris, MI., Carter, SA.(2000). Transition to mariage. A Literature Review. JFCSE. 17(1):1-21.

Lammert, E.(2003). Do those who labot thogether? The influence of specialization., perception of fairness, and gender ideology on marital stability. Center for reseaech on families. Working Paper, 1, 1-59.

Pellitery, J.(2002). The relationship Between Emotional intelligence and ego defence mechanisms. The journal of psychology,136(2), 182-194.

Perry, B. J. (2004).The relationship between equity and marital quality among hispanic, africans and american and caucasian. The thesis of PHD in philosophy. University if OhioState.

Rosen-Grandon, JR., Myers, JE., Hattie, JA.(2004). The relationship between marital characteristics, marital interaction processes and marital satisfaction. J couns & Dev. 67(2). 172-188.

Schutte, Ns., Malouf, Tm., Bobic, C., Coston, TD., Greeson, C., Jedlicka, C& et. Al.(2001). Emotional intelligence and interpersonal relations. The journal of social psychology.141(4). 523-536.

Shahbazi, M. (2005). The relationship between emotional intelligence and assertiveness and marital satisfaction of married teachers to control the city of Masjed Soleiman Marriage, Family Counseling Master's thesis, Faculty of Education and Psychology martyr Chamran University. [persian].

Soleimanian AA.(1995). Study of relationship between irrational beliefs and marital satisfaction among college students. Msc Dissertation, kharazmi university, Tehran. [Persian]

Spercher, S.(1986). The Relation Between Inequity and Emotions in Close Relationships. *Social Psychology Quarterly*,4, 309-321.

Sullivan, C. M. (2008). The role of communication, Life role commitments, and sexist ideologies in dual-earner marriages. the thesis of PHD in philosophy. University of Maryland.

Taniguchi, ST., Freeman, PA., Taylor, S., Malcarne, BA.(2006). Study of married couples perceptions of marital satisfaction in outdoor recreation. *J Experi Edu.*28(3). 253-256.

Tirgari, A., Asghar nejadFarid, AA., Bayan zadeh, A., Abedin, AR.(2006).Comparison Between emotional intelligence and marital satisfaction and their structural relationship in compatible and incompatible couples Sari city in 2004. *Mazandaran univercity of medical science.* 16(55), 78-86.[persian]

Walster, E., Berscheid, E., &Walster, G. W. (1975). Equity and social justice .*Journal of social issues*, 31, 21-43.

Xu, x., & Lai, S. C. (2004).Gender ideologies, marital roles, and marital quality in taiwan.*Journal of Family issues*, 3,318-355.

